

افزایش بهره وری؛ کلید طلایی دولت کلیددار در تحقق حماسه اقتصادی

سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری سال حماسه سیاسی - حماسه اقتصادی نام نهاده شده است. خوشبختانه مردم خوب کشورمان در انتخابات اخیر حماسه سیاسی را رقم زدند و بدون شک یکی از نتایج و اهداف ملموس و قابل انتظار در تحقق حماسه اقتصادی؛ حصول به یک رشد اقتصادی مستمر است که ابزار اصلی و شرط لازم برای ایجاد اشتغال های مولد؛ کاهش فقر و بیکاری، توزیع عادلانه درآمد و خصوصا توسعه پایدار است. ضمنا از آنجاکه در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه لذارسیدن به اهداف سند چشم‌انداز از جمله جایگاه برتر در منطقه، مقابله با فقر و ایجاد اشتغال برای مردم؛ مستلزم این است که نرخ رشد بالای اقتصادی محقق شود. به همین جهت در برنامه چهارم توسعه نرخ رشد اقتصادی؛ در مجموع ۸ درصد رشد پیش بینی شده بود که ۵/۵ درصد این رشد برای انباشت سرمایه و نیروی کار و قرار بر این بود که ۵/۲ درصد از این رشد؛ از طریق بهره‌وری تحقق پیدا کند و به عبارتی دیگر؛ بهره‌وری کل عوامل که در برنامه سوم به طور متوسط سالانه ۰/۸ درصد رشد پیدا کرد، در برنامه چهارم می باید به طور متوسط هر سال باید ۵/۲ درصد رشد پیدا می‌کرد، یعنی در مجموع ۳/۳۱ درصد از کل رشد اقتصادی کشور را باید از طریق بهره‌وری حاصل می‌گردید. البته هنوز امار دقیقی از نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد بهره وری واقعی در برنامه چهارم در دسترس نیست ولی اطلاعات پایش نشده حاکی از عدم حصول اهداف برنامه است. ضمنا نرخ رشد اقتصادی در برنامه پنجم توسعه ۸ درصد در نظر گرفته شده است که می باید برای نیل به آن و در نهایت تحقق اهداف سند چشم‌انداز؛ راهبردهای مشخص و مدونی تعریف شده باشد.

برای نیل به رشد اقتصادی فوق و اصولا هر توسعه پایداری پایدار دو راهبرد اساسی وجود دارد:

۱- انباشت و توسعه سرمایه دولتی و نیروی کار و توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و تسهیل و حمایت از سرمایه گذاری خارجی و تجهیز و هدایت پس‌اندازها و منابع. ضمنا می باید قوانین و سرمایه‌ها و منابع لازم برای رشد اقتصادی فراهم باشد. راهبرد فوق پرهزینه و پر مشغله است که تاثیر شدیدی از شرایط محیطی دارد و هر تغییراتی در جهت خلاف این جهت گیری به شدت بر آن تاثیر گذار است و به همین دلیل تجربیات جهانی نشان می دهد که با تکیه صرف بر این راه نمی‌توان به رشد اقتصادی مستمر و پایدار رسید. به طوریکه هم اکنون کشورهای توسعه یافته که ۷۷ درصد ثروت دنیا را به خود اختصاص داده‌اند، حدود ۶۷ درصد ثروت خود را از سرمایه های منابع انسانی به دست می آورند و در مقابل تنها ۱۷ درصد را از منابع طبیعی کسب می کنند اما در کشورهای نفت خیز که ۴۰۶ درصد ثروت جهان را دارند سهم منابع طبیعی آن ها بیشتر از منابع انسانی و به میزان ۴۴ درصد استولی در کشوری مثل ژاپن که تنها دو درصد از ثروت آن به منابع طبیعی اختصاص دارد ۸۰ درصد از ثروتش به منابع انسانی تعلق دارد.

۲- راهبرد دیگر بهره وری است که نه تنها می تواند در رشد پایدار اقتصادی موثر واقع گردد بلکه سرمایه گذاری مجدد را نیز به شدت کاهش و امکان توسعه سرمایه گذاری پایدار و همه جانبه را فراهم مینماید. با نگاهی به تجربیات سایر کشور مشاهده می شود که در اکثر فرایندها تولیدی؛ سهم بهره‌وری عوامل تولید از ذخیره و سرمایه گذاری منابع و عوامل تولید در رشد اقتصادی بسیار بیشتر بوده است و اصولا با توجه به محدودیت منابع و عوامل تولید و رشد روزافزون نیازها و همچنین کاهش وابستگی اقتصادی و توسعه تجارت و افزایش سطح رفاه اجتماعی؛ باید از منابع موجود استفاده بهینه نمود. لذا در همه جوامع بهره وری به عنوان یک ضرورت تاریخی و رسالت نسل فعلی قلمداد می شود. آدم‌اسمیت معتقد است کاهش بهره‌وری، باعث کاهش درآمد و کاهش سطح زندگی شده و موجب اصلی توسعه نیافتگی می‌باشد و کاهش سطح زندگی نیز به نوبه خود سطح پایین بهره‌وری را موجب می‌گردد. سیمون کوزنتس نقش بهره‌وری را در رشد اقتصادی بسیار موثر می داند چنانچه در تعریف شش خصوصیت جریان رشد که تقریبا در کلیه کشورهای پیشرفته معاصر وجود دارد از نرخ بالای افزایش بهره‌وری به‌عنوان یکی از دو متغیر کلی اقتصادی نام برده است. به عنوان مثال در کشورهای توسعه یافته که رتبه های اول را در رقابت پذیری در عرصه تجارت جهانی را دارند عمدتا بیشتر از ۵۰ درصد رشد تولید ناخالص داخلی آن از محل بهره وری عوامل تولید تامین می شود و در کشوری مثل ژاپن که رتبه هفدهم را در عرصه

رقابت پذیری اقتصاد دنیا کسب کرده حدود ۵۳ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی آن از محل بهره وری عوامل تولید تامین می شود. بر اساس گزارش سازمان بهره وری آسیایی (APO) سهم بهره وری عوامل تولید کشور ایران از رشد تولید ناخالص داخلی بسیار پایین تر از نرم کشورهای توسعه یافته است که البته در برنامه چهارم قرار شده بود این رقم یعنی سهم بهره وری عوامل تولید (TFP) از رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به حدود ۳۱ درصد برسد و راهبرد برنامه پنجم توسعه سهم ۳۰ درصدی بهره وری را در رشد ۸ درصدی اقتصاد ی ترسیم نموده است.

۳- اما بهره وری چیست و چگونه حاصل می گردد:

تعریف بهره وری و کارایی

بهره وری، ترجمه لغت **Productivity** است که به معنای قدرت تولید، بارور و مولد بودن است، و یا عبارت است از «استفاده بهینه از منابع تولیدی (نیروی کار، سرمایه، تجهیزات و تسهیلات، انرژی، مواد) و مدیریت علمی، کاهش هزینه های تولید، از بین بردن ضایعات، گسترش بازارها و غیره، جهت بهبود سطح کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی» در تمام تعاریف صورت گرفته برای بهره وری؛ نکات مشترکی وجود دارد. این نکات عبارتند از: ۱- فرایند بودن بهره وری ۲- نقش بارز فرهنگ و باورها ۳- علمی بودن بهره وری ۴- منطقی بودن فرایند ها ۵- هدفدار بودن بهره وری که همان توسعه پایدار و افزایش سطح رفاه جامعه است ۶- ایجاد ارزش افزوده برای جامعه و مردم

بایدها و نبایدها در تحقق بهره وری:

۱- سه نکته راهبردی هر تفکر و برنامه ریزی برای ارتقای بهره وری؛ عبارتند از راهبردی بودن بهره وری و لزوم توجه همه جانبه به آن در برنامه های توسعه؛ فرابخش بودن بهره وری و لزوم سنجش مستمر بهره وری برای آسیب شناسی و کنترل آن.

به عقیده صاحب نظران؛ «برنامه توسعه کشور» را باید «برنامه توسعه بهره وری» تلقی کرد، زیرا می باید احکام و مواد برنامه های توسعه؛ تغییرات و بهبودهایی را تدوین و پیگیری کنند که منجر به افزایش و ارتقای بهره وری گردد. از منظر مبانی قانونی احکام و سیاست هایی در رابطه با ارتقای بهره وری در اسناد برنامه ای کشور تبیین شده است. در سند چشم انداز بیست ساله، دست یابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی هدف گذاری شده است و همچنین در سیاست های کلی نظام مدلهای انگیزشی برای رشد بهره وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و...) در نظر گرفته شده است. ضمن اسیر تاریخی مدیریت راهبردی بهره وری در برنامه های توسعه کشور نشان می دهد که در تبصره «۳۵» قانون برنامه دوم توسعه، دستگاه های اجرایی مخیر شدند تا یک درصد از اعتبارات جاری خود را برای فعالیتهای ارتقای بهره وری هزینه کنند. در قانون برنامه سوم توسعه و در مواد (۱)، (۹) و (۶۲) به سیاست هایی از موضوع بهره وری پرداخته شده است. برخی شاخص های کمی در رابطه با رشد بهره وری در ماده (۵) قانون برنامه چهارم نیز ذکر شده است و اگرچه احکام و تکالیفی به صورت ضمنی و به صورت صریح در ارتباط با ارتقای بهره وری در قانون برنامه های دوم تا چهارم توسعه لحاظ شده بود، اما نتایج اعلام شده نشان دهنده ناکافی بودن اهرمهای اجرایی برای تحقق کامل اهداف برنامه های توسعه است. به نحوی که براساس گزارش صندوق بین المللی پول (آوریل ۲۰۱۰)، رشد اقتصادی ایران که رابطه مستقیمی با نرخ بهره وری دارد مطابق با اهداف برنامه نبوده است.

در مواد (۶۹) و (۷۰) لایحه برنامه پنجم توسعه احکامی به منظور ارتقای بهره وری دستگاه های اجرایی آورده شده است. در این احکام ایجاد سازمان ملی بهره وری ایران و سازمان ملی استاندارد ایران با تمرکز بر ایجاد ساختار و سازمان کار برای موضوع بهره وری و استاندارد سازی در بخش دولتی مد نظر قرار گرفته شده است. و به عبارتی نگاهی متمرکز به مدیریت بهره وری توسط حکومت دارد. از آنجا که بهره وری موضوعی است فرابخش و فراگیر و می باید همه جامعه به آن تعهد داشته باشند و تجربه کشورهای توسعه یافته نیز نشان

می دهد که آنها به بهره وری به عنوان یک موضوع ملی می پردازند که همه احاد جامعه؛ در گیر ان می شوند و در این کشورها و برای توسعه و افزایش بهره وری یک مدیریت عمومی استقرار یافته است؛ لذا در کشور ما نیز باید بهره وری به عنوان موضوعی چند بعدی و با توجه به معیارهای امروز جهانی و فراتر از چارچوب محدود دستورالعمل های اداری و رهبری آن توسط یک سازمان دولتی نگریسته شود. معیارهای جهانی امروز بهره وری که متفاوت با معیارهای چند دهه اخیر است عمدتاً به بهبود سیاستگذاری در حوزه ارتقا و توسعه فرهنگ بهره وری، توسعه فرایند تحقیق و پژوهش در چارچوب مسایل بهره وری در سازمانها، افزایش درجه بازبودن اقتصاد به سوی تجارت خارجی و میزان درجه رقابت پذیری اقتصاد در بازارهای جهانی توجه داشته و مورد سنجش قرار می دهند. لذا می باید در برنامه ها و راهبردهای اجرایی برنامه توسعه پنجم کشور؛ افزایش بهره وری؛ در قالب یک مدیریت عمومی و با توجه به معیارهای جهانی و باورها و ارزشهای حاکم بر جامعه به نحوی طراحی و تبیین و مدیریت و ساماندهی و بومی سازی شود که همه جامعه به ان تعهد داشته باشند و به ان عمل نمایند.

برای تحقق اهداف برنامه و سهم ۳۰ درصدی بهره وری در رشد اقتصادی متناسب و پایدار کشور؛ نیاز به عزم ملی با تکیه و اعتماد به باورها و ارزشهای جامعه اسلامی و شناخت واقعی از فرصتها و تهدیدها است و این مهم در شرایط فعلی کشور و اراده ای که در دولت جدید ملاحظه میگردد و با توجه به رویکرد ماهیتی و ذاتی نظام سیاسی کشور که مستلزم خودباوری و استفاده بهینه از منابع است؛ دور از دسترس نبوده و نتیجه قابل اندازه گیری و تاثیر گذار ان افزایش بهره وری و بالنتیجه تحقق رشد اقتصادی پایدار است.

لذا پیشنهاد می شود پایش عوامل تاثیر گذار بر بهره وری در هر یک از بخشهای مرتبط در کشور انجام و اهداف کمی و کیفی برای ارتقای آنها برای سالهای برنامه مشخص و اعلام عمومی گردیده و پیگیری عملیاتی و مدیریتی گردد. ضمناً این برنامه ها نباید ارتباطی به تغییر مدیریتها و افراد داشته باشد بلکه باید یک هدف قابل دسترس برای هر واحد تلقی و باور شود. بدیهی است واقعی بودن این برنامه ها و پرهیز از تعریف اهداف کمی غیر متناسب با منابع بسیار ضرورت دارد .

ضمناً از انجا که یکی از برنامه های راهبردی وزیرکلید دار وزارت نیرو؛ رویکرد استفاده بهینه از منابع و افزایش کارایی به عنوان جایگزین توسعه کمی است و ایشان حداقل طی دو دهه اخیر در این راهبرد پیشرو بوده و زحمات زیادی را علیرغم ناملایمات برای تحقق بهره وری متحمل شده اند به نظر میرسد شرایط بسیار مناسبی برای افزایش بهره وری در وزارت نیرو ایجاد شده است که انشا.. در مقاله بعدی به انها پرداخته میشود... ادامه دارد